

راجر ویلیامسون<sup>۱</sup>

برای کشورهای آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر، حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و جنگ کشورهای ائتلاف علیه عراق اوضاع امنیتی را تغییر داده است. همکاری امنیتی آمریکا و روسیه، اگرچه ماهیتاً محدود، به ایجاد پایگاههای نظامی آمریکا در آسیای مرکزی منجر گشت. افراط گرایی، تروریسم، تجارت مواد مخدر، بی ثباتی داخلی و مرزهای نفوذپذیر همگی نگرانی ایجاد می کنند. تغییر رژیم در عراق و بالتسجه جریان دوباره نفت عراق، در موقع خود، مقادیر معتابیهی نفت را به بازار جهانی روانه می نماید؛ نفت دریای خزر اهمیت سابق خود را دارا نیست، کشورهای بدون نفت و گاز در منطقه با چالش اقتصادی روبرو می باشند. گنگتوها در مورد خطوط لوله و محدودیت دریای خزر داغی خود را از دست داده اند و اختلافات مربوط به نواحی جنوبی دریای خزر همچنان باقی است. همچنین، در منطقه، چالشهایی در مورد حکومت مداری و جانشینی رهبران مَس وجود دارد. روابط ایران و آمریکا همچنان متناقضانه می باشد. همگرایی آسیای مرکزی و روابطش با روسیه و چین هنوز از وظایف مرم محسوب نمی گردند.

## ۱. مقدمه

### دریای خزر و آسیای مرکزی از منظر بالا: یک یا چند منطقه؟

منطقه‌ای که در این متن به آن ارجاع شده و نسبت داده می شود شماری از نواحی مشخص و متمایز را می پوشاند. در قلب منطقه مورد بحث، کشورهای ساحلی دریای خزر قرار دارند. قفقاز به وضوح منطقه‌ای اروپایی محسوب می گردد. آسیای مرکزی (جمهوریهای سابق شوروی که نام همگی آنها با «تان» خاتمه می یابد) از

۱. Roger Williamson از محققان مؤسسه ویلتون پارک، Wilton Park، (یک مؤسسه مستقل مطالعات بین المللی در انگلستان) می باشد. متن فوق حاصل دیدگاههای شرکت کنندگان در کنفرانس برگزار شده از طرف این مؤسسه در تاریخ ۱۳ الی ۱۸ اکتبر ۲۰۰۳ در لندن بوده که از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

دریای خزر تا چین گسترده است. عنوان دیگر برای این منطقه جغرافیایی «اوراسیا» است. بسیاری از این کشورها در میراثی که از اتحاد شوروی سابق باقی مانده شریکند. هر یک از این کشورها دارای تاریخ، سنن و منابع طبیعی ویژه خود است. همچنین، این کشورها در مشکلات و مسائل اقتصادی و محیط زیستی باقی مانده از اتحاد شوروی سهیمند.

در منطقه قفقاز، نگرانیهای امنیتی بسیاری وجود دارد. برای مثال، در گرجستان، تروریستهای چپنی و عرب در دره پانکیسی<sup>۱</sup> فعال بوده و دولت قبلی گرجستان عکس العمل بسیار شدیدی در مقابل آنان در پاییز گذشته نشان داد. بی ثباتی جدی در گرجستان تأثیری منفی بر منافع روسیه و غرب دارد. همچنین، این بی ثباتی توانایی جمهوری آذربایجان، قزاقستان و دیگر تولیدکنندگان انرژی جهت حمل و نقل نفت و گاز خود به بازارهای خارجی را محدود می نماید. گرجستان با مشکلات بسیاری روبروست: رابطه با روسیه؛ منازعات در آبخازیا؛ مشکلات نژادی داخلی؛ نزاعهای حکومتی؛ چالشهای اقتصادی؛ توسعه و ارتقای کارایی دولت. بواسطه ابتکارات در سطح ریاست جمهوری، امیدواریهایی در جهت حل مسئله آبخازیا وجود دارد؛ بتازگی برنامه‌هایی برای بازگشت اشخاص مهاجر به موطن خود یعنی آبخازیا و نیز بازگشایی مجدد خط آهن سوچی-آبخازیا-گرجستان به ارمنستان تدوین شده است. بحرانهای داخلی در گرجستان تنها بحرانهای موجود منطقه قفقاز نیستند. منازعه بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در مورد ناگورنو قره‌باغ همچنان باقی است. سازمان امنیت و همکاری اروپا و گروه مینسک در جستجوی راه حلی برای بحران فوق می باشند. انتظار می رفت انتخابات اکتبر ۲۰۰۳ جمهوری آذربایجان راهی را برای اقدام مثبت جهت حل مشکل قره‌باغ بگشاید.

پس از فروپاشی شوروی این ترس وجود داشت که بحرانهای نژادی و جنگ شهری در آسیای مرکزی بسیار گسترش یابند. به جز تاجیکستان که بحران داخلی آن حل شده است این امر اتفاق نیفتاد.

1. Pankisi

نگرانیهایی درباره انتشار سلاحهای هسته‌ای از این منطقه وجود دارند. «مشارکت جهانی» علیه گسترش سلاحها و مواد کشتار دسته‌جمعی و در پی کنترل این تهدید و فراهم آوردن نهادی برای ممانعت از پخش سلاحهای بیولوژیک، شیمیایی و هسته‌ای از شوروی سابق می‌باشد. قزاقستان اخیراً عضو «مشارکت جهانی» شده است. کوششهای چندجانبه‌ای برای خاتمه فعالیت رآکتور هسته‌ای اکتاو<sup>۱</sup> در قزاقستان در جریان است. همچنین، تلاشهایی در جریان است تا آسیای مرکزی، منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای اعلام گردد.

امید است که منطقه اوراسیا خود را از حالت اقتصاد متمرکز «فروپاشیده» به اقتصادهای بازار آزاد ملی ارتقا داده و با خوشبینی آنرا تجربه نماید. منطقه‌ای که دارای منابع انرژی باشد دارای دورنمای اقتصادی بسیار خوبی است. برآورده شده که نفت دریای خزر ۵ درصد نیاز جهانی را تأمین می‌نماید. تولید نفت طی دهه گذشته به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری خارجی بسیار در مورد نفت در جمهوری آذربایجان و قزاقستان انجام گردیده است.

قزاقستان نسبت به دیگر کشورهای منطقه در اجرای اصلاحات اقتصادی موفق‌تر بوده و این واقعیت و نیز منابع نفت و گاز نشان می‌دهند که شاخصهای اقتصاد کلان قزاقستان از دیگر کشورهای منطقه بالاترند.

جمهوری آذربایجان و قزاقستان منافع خود را از طریق «ابتکار شفافیت صنایع استخراجی»<sup>۲</sup> که از طرف تونی بلر نخست‌وزیر انگلستان در ژوهانسبورگ در سال گذشته اعلام شد تأمین می‌نمایند. جمهوری آذربایجان موافقتنامه مربوطه را امضا کرده و قزاقستان از منافع آن منتفع می‌گردد.

بسیاری از شرکتهای اصلی نفت و گاز انگلستان در قزاقستان و جمهوری آذربایجان

1. Aktau

2. The Extractive Industries Transparency Initiative (EITI)

فعالند. بریتیش پترولیوم سرمایه‌گذارهای بسیاری در جمهوری آذربایجان کرده است. بریتیش گاز در قزاقستان به ویژه در میدان نفت تغلیظ شده کاراچاگاناک<sup>۱</sup> سرمایه‌گذاری بسیاری نموده است.

شرکت شل یکی از شرکای استخراج میدان کاشگان<sup>۲</sup> می‌باشد.

علیرغم موفقیت اقتصاد نفتی کشورهای منطقه، بسیاری از این کشورها جداً فقیرند. ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، قرقیزستان و تاجیکستان استراتژی کاهش فقر را در دستور کار دارند: ۶۸ درصد مردم تاجیکستان با درآمدی معادل ۲/۱۵ دلار در روز زندگی می‌کنند؛ این شاخص برای جمهوری قرقیزستان ۴۹ درصد و برای ارمنستان ۴۴ درصد می‌باشد. حتی در قزاقستان ۱۵ درصد مردم در چنین سطحی روزگار می‌گذرانند.

شماری از سازمانهای بین‌المللی اقداماتی در جهت تأمین حقوق بشر انجام می‌دهند. اتحادیه اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان ملل متحد دارای این وظیفه هستند. سوابق و نشانه‌هایی راجع به عدم رعایت حقوق بشر در ترکمنستان و ازبکستان نگرانیهای خاص را برمی‌انگیزند. به‌رغم نگرانیهای بعضی کارشناسان درباره احیای «بازی بزرگ»، آینده خیلی روشن برای منطقه آسیای مرکزی همچون هاله‌ای نفیس از توسعه دموکراتیک، اقتصادی، سازمانی و سیاسی را بشارت می‌دهد، اگرچه همکاریهای منطقه‌ای همچنان محدود است.

محدودیت دریای خزر مبحثی مطرح می‌باشد. جمهوری آذربایجان، قزاقستان و روسیه اختلافات خود را حل کرده‌اند. جمهوری آذربایجان، ایران و ترکمنستان هنوز اختلافاتی دارند؛ به این معنی که شمال دریای خزر از جهت اقتصادی قابل توسعه می‌باشد اما در این رابطه مشکلاتی در جنوب دریای خزر وجود دارد.

آب نیز یک عامل بالقوه و بالفعل بحران در رابطه تاجیکستان و قرقیزستان می‌باشد هرگاه رودخانه‌ها طغیان می‌کنند و کشورهای (دور از منبع اصلی رودخانه) ترکمنستان،

1. Karachaganak

2. Kashagan

قزاقستان و ازبکستان به منابع آب این رودخانه‌ها متکی هستند. همکاری منطقه‌ای در مورد نیازهای آب و انرژی در این پنج کشور ضروری است.

## ۲. امنیت در منطقه: دریای خزر و آسیای مرکزی

### مفاد چالش در منطقه دریای خزر

حوادث و رویدادهای سه سال گذشته اهمیت دریای خزر را در مقایسه با آسیای مرکزی و خاورمیانه کاهش داده است. یکی به علت برآوردهای معتابه دور از واقع از مخازن عظیم انرژی در دریای خزر و دیگری اهمیت یافتن مباحث امنیت مربوط به عراق و افغانستان.

دولت بوش اهمیت بسیار بیشتری برای امنیت انرژی نسبت به قبل قائل شده است. از طریق «امنیت انرژی»، تنوع منابع انرژی، بویژه تنوع جغرافیایی عرضه کنندگان نفت کاهش قیمت نفت را بدنبال خواهد داشت. براین اساس دریای خزر بیشتر به «دریای شمال تا یک خلیج فارس» نزدیکتر می‌باشد و بدان لحاظ اهمیت کمتری دارد. تغییرات مربوطه دیگر عبارتند از: تفاهم بین آمریکا و روسیه که برای آمریکا امکان دسترسی بیشتر به منابع انرژی روسیه را فراهم می‌نماید و حضور نیروهای انگلیسی و آمریکایی در عراق که نیز منجر به عرضه نفت عراق به مقدار فراوان به بازار می‌گردد. دوران بحثهای داغ در مورد خطوط لوله و مسیرهای خطوط لوله نیز به پایان رسیده است.

به علاوه، گسترش ناتو به سوی شرق و حضور ایالات متحد در آسیای مرکزی به مخالفت‌های شدید روسیه، چنانچه انتظار می‌رفت، منجر نگشت. به واسطه نیاز به همکاری در جنگ علیه تروریسم، منتقدان غربی روسیه راجع به مسائل چچن طرح موضوع را بسیار محدود نمودند. در منطقه دریای خزر، ایران و روسیه بازیگران اصلی خواهند بود. ایران همچنان به واسطه قانون تحریم‌های ایران - لیبی<sup>۱</sup> از سال ۱۹۹۵ در مضیقه است.

1. The Iran - Libya Sanctions Act (ILSA)

جلوگیری از نظامی شدن دریای خزر بسیار اهمیت دارد. ظرف سالهای آتی بسیاری از رهبران کشورهای منطقه به لحاظ کهولت سن تغییر می‌نمایند. باید دید آیا این امر به دموکراتیزه شدن این کشورها کمک می‌کند.

### مباحث امنیتی در آسیای مرکزی

جمهوریهای آسیای مرکزی با مشکلات امنیتی با ابعاد داخلی و خارجی روبرو می‌باشند. بیشتر تهدیدها منطقه‌ای می‌باشند و حتی آنها که به نظر مشکلات داخلی به نظر می‌رسند برای کشورهای همسایه نیز تأثیر مستقیم دارند. توسعه اقتصادی به وسعتی که تهدیدها منعکس می‌کنند بستگی دارد. مجاورت آسیای مرکزی با افغانستان عامل کلیدی است. این امر سیاسی کردن اسلام و هدایت آن به فعالیتهای تروریستی گسترده در کشورهای همسایه را تسریع کرده است. روسیه رادیکالیزه شدن اسلام را به عنوان یک تهدید تروریستی برای مردم روس در کشورهای منطقه و برای روسیه قلمداد می‌کند.

توسعه سازمان همکاری شانگهای هیچ ارزشی ندارد. این سازمان شاخصی از «هویتهای چندگانه»<sup>۱</sup> روسیه است تا وقتی که غرب در این پیمان حضور نداشته باشد.

موضوع اعلام اهداف سیاسی گروههای اسلامی مسئله‌ای مهم در این کشورهاست. این اهداف قابل تقلید نیستند. اما یک تحقیق در مورد راه‌حلهای اسلامی برای رفاه اجتماعی، رادیکالیزه شدن و سیاسی شدن اسلام را طرح می‌نماید. به تعبیری این راه‌حل پاسخهایی برای موقعیتهای نیازهای حاد بشری محسوب می‌گردد. با این حال، با درجات متفاوت، در تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان ظرفیتهایی از نوع راه‌حلهای سبک الجزایری وجود دارند. از سرگیری تولید هروئین مشکلی برای تمامی دولتهای منطقه بویژه کشورهایی که مرزهای نفوذپذیر دارند می‌باشد.

با وجود اینکه علاقمندی به آمریکا در منطقه افزایش پیدا نموده کشورهای آسیای مرکزی نیروهای کمی برای ارجاع، واگذار کردن و مبارزه با چالشهای امنیتی اضطراری و تهدیدهای بی ثباتی در اختیار دارند. بنابراین، اشتباه خواهد بود اگر توسعه اجتماعی و نقش اسلام در قالب مباحث جوامعی که از طریق تنها سیاست نظامی و امنیتی قابل حل است ملاحظه گردد. مباحث توسعه اجتماعی و حساسیت نسبت به اشکال بومی سازماندهی از آموزش گارد مرزی و ایجاد پایگاههای نظامی خارجی بیشتر ضروریند. استراتژیهایی که اقتصاد را ارتقا می بخشند، شفافیت حکومت مداری را ایجاد می کنند و دموکراتیزه کردن را موجب می شوند مورد نیاز می باشند.

### ۳. منابع و توسعه اقتصادی

#### سرمایه گذاری در منطقه: نفت و گاز

فرصتهای سرمایه گذاری برای بهره برداری از ذخایر عظیم نفت و گاز جهت شرکتهای بین المللی خارجی جذاب هستند. سودهای بالقوه بسیار زیاد؛ ولی ریسکها و نگرانیهایی در رابطه با محیط زیست نیز وجود دارند. فضای فعالیت آزاد تجاری نامطمئن و فساد قابل ملاحظه ای رایج است. بهره برداری و استخراج از میادین نفت و گاز صرفاً با تجهیزات انحصاری باقی مانده از شرکتهای خارجی عملی می گردد. موافقتنامه بین قزاقستان و روسیه به سرمایه گذاری مشترک در کورمانگازی<sup>۱</sup> منجر شده است. حتی در غیاب رژیم حقوقی برای همه دریای خزر، چنین موافقتنامه های دوجانبه ای ممکن هستند. بین شرکتهای انگلیسی، بریتیش پترولیوم از سال ۱۹۹۴ در آذربایجان در چند پروژه چندین میلیون دلاری فعال بوده است:

- میدان نفتی آذری - چراغ - گونشلی

- میدان گازی شاه دنیز

- خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان

- خط لوله گاز باکو - تفلیس - ارزروم

احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان شروع شده است. مؤسسات مالی بین‌المللی و آژانسهای اعطای اعتبارات بزودی راجع به پرداخت وام با توجه به ارزیابیهای آثار اجتماعی و زیست محیطی مندرج در گزارش مستقل تصمیماتی اتخاذ خواهند کرد. احداث این خط لوله بسیار بحث‌انگیز و جدال‌آمیز بود؛ اما شرکتهای مشارکت‌کننده مطمئن هستند که مخالفت‌های اصلی سازمانهای غیردولتی در نظر گرفته شده‌اند. ارزیابیهای بازرگانی مشخص می‌کنند که خط لوله مذکور براساس تولیدات پیش‌بینی شده حاصل از میادین آذری در کوتاه‌مدت و میدان کاشگان قزاقستان در بلندمدت به صرفه اقتصادی خواهد بود. مذاکرات بین جمهوری آذربایجان و قزاقستان در مورد خط کشتیرانی باکو - اکتاو آغاز شده است. توسعه بخش نفت و گاز قزاقستان حتمی می‌باشد.

میادین تنگیزو کاراچاگاناک به خوبی تجهیز شده‌اند. میدان کاشگان یکی از بزرگترین میادین کشف شده در دهه‌های اخیر است.

نظامهای مالی باثبات در بلندمدت، شفافیت چارچوبهای قانونی و پیش‌بینی شرایط سرمایه‌گذاری خارجی برای سرمایه‌گذاران خارجی مهم هستند. نگرانیهای اخیر راجع به موافقتنامه‌های مشارکت در تولید بیشتر شده‌اند. کارگزاران نفتی و گازی جهت یافتن کالاها و خدمات در محل در مضیقه می‌باشند. این امر قابل درک است و فرصتهایی را برای توسعه کشور در قزاقستان فراهم می‌آورد؛ اما همیشه آسان نیست درحالیکه روشهای تولید ویژه فراهم می‌باشد.

قزاقستان در پی بررسی پیشنهادها برای تحویل منابع انرژی خود به بازار است که عبارتند از:

- خطوط لوله به چین که در حال حاضر به نظر می‌رسد به سختی از نظر مالی تأمین گردد.



- اتصال به ترکیب باکو - تفلیس - جیحان - و باکو - تفلیس - ارزروم

- ترتیبات سواپ با ایران

شرکتها و کشورهای اروپایی رهیافتی متفاوت از دولت آمریکا در رابطه با ایران برگزیده‌اند. تحریمهای ایران - لیبی کانون سیاست آمریکا بوده تا هنگامی که دیدگاههای ایران در مورد روند صلح خاورمیانه، سلاحهای کشتار دسته‌جمعی، امکان غنی‌سازی هسته‌ای تغییر نماید. دولت‌های اروپایی شریک با نگرانیهای آمریکا آماده گفتگوهای بیشتر با ایران به منظور سرمایه‌گذاری شرکتهای اروپایی در ایران می‌باشند.

ترکمنستان و ازبکستان، علیرغم منابع بسیار، همچنان بازارهای خود را بر روی سرمایه‌گذاری غرب بسته‌اند. میزان ریسک برای سرمایه‌گذاریهی گوناگون مختلف است اما سرمایه‌گذاری در روسیه و قزاقستان ریسک کمتری دارد. سرمایه‌گذاری در جمهوری آذربایجان و ایران دارای ریسک متوسط و سرمایه‌گذاری در گرجستان، ترکمنستان و ازبکستان دارای ریسک بسیار است.

### ثروت بادآورده حاصل از انرژی: برکت یا مصیبت؟

بسیاری از این کشورها که از نظر منابع طبیعی بسیار غنی هستند از رشد اقتصادی کندتر، فقر بیشتر، بدهی بالاتر، دموکراسی کمتر، حکومت‌مداری نامطلوبتر نسبت به کشورهای فاقد منابع انرژی برخوردارند.

دلایل اقتصادی «مصیبت منابع» عبارتند از:

- فراوانی مبادلات خارجی بر ارز رایج داخل فشار وارد می‌آورد.

- بیکاری، به لحاظ اینکه توسعه بخش نفت و گاز سرمایه‌بر هستند؛ در بخش نفت و گاز

جمهوری آذربایجان کمتر از یک درصد نیروی کار اشتغال دارد.

- شوکهای قیمت کالاهای اقتصادی

## - تقلیل منابع طبیعی

به موازات چنین ابعاد اقتصادی، مشکلات سیاسی نیز وجود دارند. درآمدهای منابع طبیعی جای خالی فقدان یک حکومت‌مداری مطلوب و سیاست مالی مناسب را پر می‌کنند. درآمدهای منابع طبیعی قدرت زیادی را به رهبران سیاسی اعطا کرده و آنها را قادر می‌سازند اهداف سیاسی خود را اجرا کرده و در مقام خود بدون تکیه بر رقابت از طریق انتخابات آزاد، اخذ مالیات یا کاهش مصرف همچنان بمانند؛ در واقع، ترغیب مصرف بسیار جایگزین ادارهٔ مملکت به طور شایسته می‌گردد. حجم عظیمی از پول برای پروژه‌هایی که مورد نظر نخبگان سیاسی است هزینه می‌گردد. رهبران سیاسی که بر چنین استراتژی‌هایی برای دوام بیشتر در قدرت تکیه دارند معمولاً علاقمند به تفکیک قوا، شفافیت در مسائل مالی یا نظام‌های کنترل بودجه نیستند. دیدگاه‌های بالا به کشورهای صاحب منابع طبیعی منطقه مربوط می‌گردد و موارد آن دو جمهوری آذربایجان و قزاقستان ذکر شده‌اند. جمهوری آذربایجان کوشش‌های جدی برای بهبود ثبات اقتصادی در سطح کلان و رشد اقتصادی انجام داده است. جمهوری آذربایجان باید از درآمدهای نفتی خود بهره برده چراکه تا سال ۲۰۱۰ ذخایر انرژی این کشور رو به پایان می‌رود. چنانچه میدانهای جدید کشف نشوند منابع فعلی طی ۲۰ سال آینده تهی خواهند شد. طی این دوره جمهوری آذربایجان باید برای فقر گسترده چاره‌اندیشی کرده و برای میلیون‌ها آواره ناشی از بحران قره‌باغ برنامهٔ عملی ارائه نماید. نفت و گاز ۹۰ درصد مجموع صادرات جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد. بخش غیرنفتی جمهوری آذربایجان هنوز توسعه نیافته است.

درحالیکه جمهوری آذربایجان جهت رشد مکانیزم‌هایی جهت تنظیم و تصحیح درآمد و هزینه کوشش می‌نماید، روند بودجهٔ مناسب تحول بیشتری را می‌طلبد. وضعیت بودجه شفاف نیست. پیش‌نویس‌های بودجه چاپ و اعلام نمی‌شوند. پارلمان امکان کمی برای اطلاع از مشروح بودجه و بدهکار یها دارد.

قزاقستان نیز برنامهٔ اجرای اقتصاد کلان و رشد اقتصادی را اعلام کرده است. چون ذخایر

نفت و گاز قزاقستان در مقایسه با جمهوری آذربایجان بیشتر می‌باشد و تا نیمه قرن ۲۱ دوام دارد نسبت به جمهوری آذربایجان از مزیت برخوردار است. قزاقستان مانند جمهوری آذربایجان با موضوع فقر گسترده و بی‌خانمانی مردم روبرو نیست؛ ولی با اینحال قزاقستان هنوز از اختلاف درآمدها و فقر نیز در رنج است. قزاقستان باید در مورد ۲/۳ میلیارد دلار درآمد نفتی سالانه تصمیم بگیرد. بانک جهانی از قزاقستان خواسته است تا این کشور برنامه کوتاه‌مدت چگونگی هزینه برای استفاده از درآمدهای نفتی جهت آموزش نیروی کار و امور بنیادین اجتماعی را تهیه نماید. شفافیت بودجه بیشتر شده اما هنوز اطلاعات کاملتری درباره تحولات صنعت نفت و گاز قزاقستان بویژه چگونگی بازسازی آن مورد نیاز است. درآمد نفتی قزاقستان خارج از برنامه بودجه آن کشور قرار دارد و گزارشهای سالانه یا نتیجه بازرسیهای از این درآمد هنوز به اطلاع عموم نمی‌رسد.

حکومت‌های جمهوری آذربایجان و قزاقستان اقدامات مثبتی انجام داده‌اند؛ حتی در این دو کشور که نسبت به دیگر کشورهای منطقه بیشتر مسئول و پاسخگو می‌باشند چالش‌ها همچنان باقی است.

### **شرایط سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی**

جمهوری قرقیزستان نمونه جالبی از چالش‌هایی است که کشورهای آسیای مرکزی با آن مواجهند. به طور روزافزونی برای توسعه ثبات و امنیت، بسط آزادی در کشور، حاکمیت قانون، نهادهای مسئول و اقتصاد بازار با توانایی صادرات تلاش می‌گردد. در آسیای مرکزی عواملی که بر ثبات و امنیت تأثیر می‌گذارند. از جمله افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر، مشکلات تأمین آب و عرضه آن، مباحث انرژی و اختلافات سیاسی همگی موانعی برای همکاری منطقه‌ای محسوب می‌گردند. شرایط امنیتی به واسطه حضور روبه افزایش نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و نیروهای نظامی به رهبری فدراسیون روسیه در منطقه بسیار پیچیده شده است. اوضاع در

افغانستان همچنان نگران کننده می‌باشد.

## منابع آب

رهبران کشورهای آسیای مرکزی در سپتامبر ۱۹۹۱ با یکدیگر در آلمانی ملاقات کردند و در مورد سیستم مدیریت مشترک منابع آب توافق نمودند. در اساس، آنها در مورد وفادار بودن نسبت به سهمیه‌ها مثل زمان شوروی رضایت دادند اما آنها افسوس می‌خوردند که این تعهد و توافق در حالی انجام می‌شود که هرگز رعایت نخواهد شد. تقریباً ۶ درصد جریانهای رود آمودریا به سرزمین افغانستان می‌رسد. در نوامبر ۲۰۰۲، دولت افغانستان اعلام کرد که به طور جدی در پی افزایش استفاده از آب رودخانه آمودریاست. این امر بالقوه عواقب مخاطره‌آمیزی بدنبال دارد که در وهله نخست گریبانگیر ترکمنستان و ازبکستان می‌گردد.

تاجیکستان کشوری بسیار غنی از لحاظ آب می‌باشد اما اخیراً ۲۰ درصد آب نسبت به گذشته در سرزمینش جریان می‌یابد. تاجیکستان کشوری است که منشاء رودخانه‌ها در این سرزمین قرار دارد و به سادگی می‌تواند استفاده از آب را افزایش داده و این امر احتمالاً تنشهایی را با کشور همسایه یعنی ازبکستان بدنبال خواهد داشت. اگر چنانچه فضای مذاکره در مورد امضای موافقتنامه‌ای با ازبکستان در مورد آب و از طرف دیگر در مورد واردات انرژی از ازبکستان مساعد بود در این حالت موجباتی برای امضای این موافقتنامه مهیا می‌شد. در حال حاضر، قرقیزستان بهترین زمینهای خود را برای کشاورزی به کار نمی‌گیرد. بعضی از بهترین زمینهای قرقیزستان به لحاظ آنکه جهت مخازن جمع‌آوری آب آبیاری برای کشورهای دوز از منشاء آب مورد استفاده قرار گرفته‌اند بسیار صدمه دیده‌اند. اگرچه روابط قرقیزستان با کشورهای همسایه به واسطه قرارداد آب و انرژی امضا شده در ۱۹۹۸ عادی بود قرقیزستان کنترل بر جریان آب رود سیردریا را به هنگام نیاز به آن ادامه می‌دهد. برای مثال، در سال ۱۹۹۹، قرقیزستان جریان آب به بعضی از بخشهای جنوبی قزاقستان را برای اینکه به قزاقستان فشار وارد نماید تا زغال سنگ

ارسال دارد قطع کرد. قرقیزستان اخیراً سعی نمود از طریق حقوق بین‌الملل این مورد را تعقیب نماید و به این منظور به اعلامیه دویلین در مورد توسعه پایدار و آب مصوب سال ۱۹۹۲ متوسل شد. ترکمنستان ۳۰ درصد تمامی کالاها و غذای مصرفی خود را تولید نموده است. سیاستهای ترکمنستان به افزایش بسیار در مصرف آب برای آبیاری منجر شده که در واقع به‌طور غیرکارا از آب استفاده می‌شود و این امر مورد انتقاد کشورهای همسایه ترکمنستان می‌باشد. ازبکستان مقادیر بسیاری آب استفاده می‌نماید که بنا به ادعای همسایگان برای کشت پنبه خیلی مصرفانه است. ازبکستان می‌داند که از جهت تأمین آب بسیار آسیب‌پذیر است. مقامات ازبک متعهد به تمرینات نظامی گوناگون می‌باشند با این هدف که به همسایگان خود قدرت نظامی برتر خود را متذکر شود. قزاقستان نیز بالقوه در مورد استفاده از آب با چین اختلافات و کشمکشهای بسیار دارد. علیرغم گفتگوها در مورد همکاری منطقه‌ای راجع به مدیریت آب، واقعیت این است که مساعدت عملی کمتر انجام می‌شود. هزینه‌های اجتماعی و محیط زیستی ۷۰ سال تسلط شوروی هنوز بسیار نمایان می‌باشد. ازبکستان منتفع اصلی از کمکهای بین‌المللی راجع به پروژه‌های مربوط به آب است. بارها گفتارها و رفتارهای گوناگون «این به آن»<sup>۱</sup> از طرف قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان در مورد استفاده از آب سیر دریا صورت گرفته است.

نظام سابق همکاری بین کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی نیز از میان رفت. در واقع، یک سیکل سالیانه منازعه در نتیجه تنشهای بین کشورهای قرار گرفته در منبع اصلی جریان آب (کمتر پیشرفته) و کشورهای دور از منبع اصلی و منشاء جریان آب وجود دارد. کشورهای دور از منبع و منشاء آب نیاز وافر به آب برای توسعه کشاورزی و آبیاری دارند. کشورهای صاحب منشاء و منبع آب، آب را به جهت تولید انرژی الکتریسیته نیازمندند. مدیریت مناسب آب وجود ندارد و شکست در تنظیم سهمیه‌ها، اجرای غلط توافقات تهاتری و نامشخص بودن آینده پروژه‌های زیربنایی به چشم می‌خورد. پس از استقلال، کشورهای آسیای

---

1. Tit for Tat

مرکزی در اجرای سیاست خودکفایی در انرژی و الکتریسیته شکست خوردند. جمهوری قرقیزستان در پی این بود که از طریق خصوصی سازی کشوری جذاب برای سرمایه گذاری باشد، یک ارز جدید به بازار فرستاد، در سال ۱۹۹۸ به عضویت بانک جهانی درآمد و مالکیت خصوصی زمین را قانونی نمود. در حال حاضر، بیش از ۹۰ درصد فعالیتهای اقتصادی در جمهوری قرقیزستان در بخش خصوصی انجام می گیرد و تورم به کنترل درآمده است. این سیاستها آنقدر موفقیت آمیز نبوده اند که رهبران قرقیزستان انتظار سرمایه گذاریهای جدیدتر و بیشتر دارند. جمهوری قرقیزستان نسبت به همسایگان خود حکومت مداری مطلوب را بیشتر رعایت کرده و علاوه بر آن نهادهای عمومی در فعالیتهای تجاری دخالت نمی نمایند. جمهوری قرقیزستان در نظر دارد در آینده به عنوان کشوری که نیروی کار مجرب و تحصیل کرده به دیگر کشورها اعزام نماید محسوب گردد.

#### ۴. بازیگران اصلی منطقه

##### چشم اندازهای مربوط به ایالات متحده

ارکان اصلی سیاست آمریکا در مورد دریای خزر و آسیای مرکزی برای مواقعی خاص پایه ریزی شده اند. همکاری امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اهمیت بسزایی یافته است. در زمینه های اقتصادی، سیاست آمریکا در مورد نفت و گاز دریای خزر مورد حمایت دولتهای منطقه (جهت داشتن روزهایی جایگزین برای منابع نفت و گازشان) می باشد که از انحصارات حمل و نقل گاز پروم و ترانس نفت مربوط به شوروی سابق خلاص شوند. به موازات آنکه از توان مالی مناسب نیز برخوردار گردند (مفسران روسی بر این نظرند که وضعیت انحصاری از جهت تاریخی شکل گرفت و برای جستجوی دیگر راه حلها از جهت سیاسی آمادگی وجود دارد).

خط لوله باکو - تفلیس - جیحان به روز و درآمدزا می باشد. طبق برنامه زمان بندی شده

اولین محموله نفتی در اواسط سال ۲۰۰۵ به جیحان می‌رسد. باکو - تفلیس - جیحان، بهترین مثال از حمایت آمریکا برای تنوع خطوط لوله برای حمل و نقل سوخت دریای خزر می‌باشد. این پروژه، خط لوله باکو - لوپسا و خط لوله CPC را بدنبال دارد که در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ راه‌اندازی شدند. به موازات پروژه باکو - تفلیس - جیحان، پروژه خط لوله گاز قفقاز جنوبی مطرح است که در سال ۲۰۰۶، ۶/۶ میلیون متر مکعب از گاز جمهوری آذربایجان را به بازار ترکیه رسانده و زمینه برای ارسال گاز به بازارهای اروپا کاملاً مساعد می‌گردد.

خط لوله باکو - تفلیس - جیحان روبه اتمام است، آمریکا از جمهوری آذربایجان و قزاقستان و بخش خصوصی که در ایجاد چارچوب طرح باکو - تفلیس - جیحان - اکتاو جهت آوردن نفت خام قزاقستان به سیستم باکو - تفلیس - جیحان فعالیت می‌نماید حمایت می‌کند. سیاست آمریکا در مورد خطوط لوله به موازات بازار گاز اتخاذ می‌گردد. پیشنهاد ایجاد خط لوله گاز ماورای دریای خزر به لحاظ عدم انعطاف رئیس جمهور ترکمنستان با شکست مواجه شد. معامله گاز بین روسیه و ترکمنستان که مدت آن ۹۵ ساله است مورد سؤال می‌باشد. ذهنیت بسیاری از تحلیلگران آمریکایی و در واقع نظر بسیاری از گرجیها آن است که موافقتنامه بین گرجستان و گاز پروم روسیه به نفع گرجستان نیست. به علاوه بندهای نابرابر، نبود شفافیت نیز موضوع قابل ملاحظه‌ای در قرارداد مذکور می‌باشد.

در جهان پس از ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا و ناتو به این نتیجه رسیده‌اند که همکاری امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی اهمیت اساسی دارد. این همکاری امنیتی شامل: امنیت مرزها، ایجاد پایگاههای امنیتی برای خطوط مرزها در کشورهای مواجه با بحران، و آموزش می‌باشد. نگرانیهای امنیتی آمریکا در منطقه اوراسیا در پنج مورد زیر خلاصه می‌شود:

- حمل و نقل انرژی حوضه دریای خزر؛

- حل بحرانها و مدیریت آن؛

- امنیت مرزی و داخلی؛

- اقدامات ضد تروریستی و ایجاد ائتلاف ضد تروریستی؛

- دیدگاهها و برداشتهای گوناگون از اسلام.

چالشهای کلیدی که غرب (ناتو، اتحادیه اروپا و آمریکا) در آینده نزدیک از جانب قفقاز جنوبی با آن روبروست عبارتند از:

- تأمین مالی کافی برای احداث خطوط لوله باکو - تفلیس - جیحان و شاه‌دیز - باکو - تفلیس - ارزروم.

- نهایه نمودن توافق باقراقستان در مورد حمل و نقل مقادیر معتناهی نفت اکتا و به باکو - تفلیس - جیحان از طریق کشتی.

مشارکت گرجستان و جمهوری آذربایجان در ائتلاف به رهبری آمریکامی بایست در نظر گرفته شود. موفقیت انتخابات در جمهوری آذربایجان مایه دلگرمی است. بسیاری از ارزیابیها نشان می‌دهند که آینده جمهوری آذربایجان به شکل یکی از دو مدل ذیل می‌باشد: «مدل سوری» شبه پادشاهی یا یک قدرتی که در داخل با نخبگان مبارزه می‌نماید.

### چشم‌اندازهای مربوط به روسیه

در منطقه دریای خزر، روسیه منافعی از دو جهت یکی به عنوان یک کشور ساحلی و یکی به عنوان قدرت منطقه‌ای داراست. امنیت مرزهای روسیه و سرزمینهای مجاور تحت تأثیر رویدادهای منطقه دریای خزر قرار می‌گیرد. سه کشور ساحلی دریای خزر از چهار کشور دیگر، (به جز روسیه) اعضای CIS می‌باشند. میلیونها مردم روس در کشورهای ساحلی دریای خزر زندگی می‌کنند. روسیه در مورد بحرانهای داخلی این کشورها و درک آنها از اقدامات ضد تروریستی بین‌المللی نگران است. اهداف و مقاصد روسیه عبارتند از:

- تضمین صلح و ثبات در منطقه؛

- ارتقای روابط با همسایگان به ویژه کشورهای ساحلی دریای خزر؛



- تعقیب استراتژی از جمله حمایت از شرکتهای روسی فعال در منطقه دریای خزر و حمل و نقل نفت و گاز به بازارهای خارجی؛

- ایجاد کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب یا عبور از منطقه دریای خزر، تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، ایجاد چارچوب حقوقی بین‌المللی برای مشکلات زیست محیطی، استخراج منابع و نیز حفاظت و مدیریت منابع بیولوژیک.

رئیس‌جمهور پوتین، دیپلماسی فعالی را در منطقه دریای خزر دنبال می‌کند و بیانیه‌های دو جانبه سیاسی با قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ایران امضا نموده است؛ وی نیز موافقتنامه‌هایی را در مورد شرح و ترسیم بخشهایی از زیربستر دریای خزر با قزاقستان و جمهوری آذربایجان به تصویب رسانده است. تعجب‌انگیز است که ارزیابی روسیه از موافقتنامه گاز ترکمنستان - روسیه به طور قابل ملاحظه‌ای بسیار مطلوبتر از دیدگاه غربی راجع به آن می‌باشد. روسیه و قزاقستان نیز موافقتنامه‌ای در مورد مشارکت بلندمدت در مورد صنعت گاز امضا کرده‌اند. دیدگاه روسیه در مورد اقدامات مربوط به خط لوله زمینه‌ای ایجاد کرد تا سرزمین روسیه گذرگاه فرعی خط لوله در نظر گرفته شده و این امر از جهت سیاسی و اقتصادی تحریک و تهییج‌کننده محسوب می‌گردد. روسیه نیز نسبت به خط لوله اودسا - برودی<sup>۱</sup> معترض است.

فعالیت در مورد تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و مورد قبول کشورهای ساحلی در سطح یک گروه کاری ویژه از معاونان وزرای امور خارجه کشورهای مربوطه می‌باشد. این گروه فعالیت خود را در پی اولین نشست سران کشورهای ساحلی در عشق‌آباد در آوریل ۲۰۰۲ آغاز نمود. مسائل مربوط به محیط زیست در نوامبر ۲۰۰۳ در تهران بررسی شد و کنوانسیون در مورد حفاظت محیط زیست دریای خزر نیز امضا گشت. روسیه پیشنهادی ارائه داده تا براساس آن یک مرکز منطقه‌ای مطالعات محیط زیست ایجاد شود که به عنوان دبیرخانه کنوانسیون انجام وظیفه نماید.

1. Brody

## چشم‌اندازهای مربوط به ایران

قبل از فروپاشی، اتحاد شوروی و ایران فقط دو کشور ساحلی دریای خزر محسوب می‌شدند. با استقلال جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان وضعیت بسیار پیچیده گشت. ایران هنوز اهداف قانونی خود را امنیت، ثبات، توسعه اقتصادی و نیز تحول اقتصادی در منطقه می‌داند. ایران خود را یک بازیگر کلیدی آینده در آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس به حساب می‌آورد. بی‌ثباتی در عراق، خاورمیانه، کشمیر و افغانستان بر ایران تأثیر داشته چنانچه بر امنیت قفقاز نیز مؤثر است. ایران با نگرانی سیاست شوروی در افغانستان و متعاقب آن گسترش نفوذ آمریکا در منطقه و استقرار پایگاه‌های نظامی در آسیای مرکزی را دنبال می‌کرد.

چنانچه اشاره شد مغایرت سیاست آمریکا و اروپا در قبال ایران اهمیت دارد. درحالی‌که اتحادیه اروپا در جستجوی رهیافت مبنی بر گفتگو است آمریکا خط بریدن پیوندهای اقتصادی ایران را دنبال می‌نماید (قانون تحریم‌های ایران - لیبی) و فشار بسیار خود را به ایران در مورد برنامه هسته‌ای این کشور ادامه می‌دهد و نگرانی‌هایی در مورد غنی‌سازی و سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی دارد.

ایران علاقمند به مشارکت و گسترده‌تر و بیشتر اقتصادی با منطقه CIS بویژه در زمینه‌های حمل و نقل، انرژی و سرمایه‌گذاری است. ایران متقاعد شده که همگرایی منطقه‌ای، بویژه در زمینه حمل و نقل، انرژی، ارتباطات، امور مالی و بازار به طور همه‌جانبه سودمند می‌باشد. در بخش حمل و نقل، ایران در حال احداث کریدور شمال - جنوب برای ترانزیت کالاها بین روسیه و اروپای مرکزی و شمالی از یکطرف و هند و جنوب غربی آسیا از طرف دیگر است. در سایه این سیاستها، ایران در ابتکار همکاری با تراسیکا<sup>1</sup> شرکت دارد. همچنین، ایران از یکطرف موافقتنامه‌های همکاری حمل و نقلی بین ایران و افغانستان و از طرف دیگر بین ایران،

1. The Transport Corridor Europe Caucasus Asia (TRACECA)

افغانستان و تاجیکستان منعقد نموده است. در گفتگوهای راجع به دریای خزر، ایران هنوز بر بیش از ۲۰ درصد سهم خود در این دریا پافشاری می‌نماید. سیاست ایران هنوز اهداف تقسیم دریای خزر بر طبق بخشهای ملی و تدوین ضوابطی جهت آزادی کشتیرانی، غیرنظامی نمودن دریای خزر، همکاری در زمینه شیلات و حفاظت محیط زیست این دریا را دنبال می‌کند.

جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان (براساس آمار بریتیش پترولیوم) ۱۶/۵ میلیارد بشکه ذخایر قابل تحصیل انرژی در اختیار دارند. درحالیکه ایران صاحب ۹۰ میلیارد بشکه و روسیه دارای ۶۰ میلیارد بشکه می‌باشند.

این بدان معنی است که جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان ۱/۵ درصد ذخایر جهانی را در اختیار دارند درحالیکه ایران و روسیه مشترکاً ۱۵ درصد ذخایر جهانی را صاحبند. تولید نفت جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان کمتر از ۱/۵ میلیون بشکه در روز است؛ تولید روزانه نفت ایران ۳/۴ میلیون بشکه و برای روسیه ۷/۷ میلیون بشکه می‌باشد. جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان ۲ درصد تولید جهانی را دارا می‌باشند که تا ۳/۵ درصد تا سال ۲۰۱۰ قابل افزایش است. نفت دریای خزر از طریق خط لوله CIS (تنگیز - نورووسیسک)؛ باکو - سوپسا (از سرزمین گرجستان)؛ باکو - نورووسیسک (از طریق روسیه)، نکا - تهران (در ایران که در ۲۰۰۴ کامل می‌گردد)؛ و باکو - تفلیس - جیحان (گرجستان به ترکیه در سال ۲۰۰۶ کامل می‌گردد) به بازار مصرف رسانده می‌شود.

خطوط لوله موجود روزانه حدود یک میلیون بشکه نفت را منتقل می‌نمایند. با توسعه خطوط لوله CIS، باکو - تفلیس - جیحان و نکا - ری ظرفیت سودمند و در دسترس ۳/۵ میلیون بشکه در روز خواهد شد که برای تولید قابل پیش‌بینی کافی است. اگر نفت کاشگان تا سال ۲۰۱۰ به تولید یک میلیون بشکه در روز برسد و اگر روابط آمریکا و ایران ارتقا یابد براساس نظر تحلیلگران، یک خط لوله زمینی دیگر از قزاقستان به ایران ضروری می‌باشد.

در مورد ذخایر گاز نیز وضعیت مشابه است. ذخایر گاز دریای خزر حدود ۴ درصد مجموع

ذخایر جهانی می‌باشد. تا سال ۲۰۱۰، روسیه، منطقه دریای خزر و ایران دارای ۵۰ درصد منابع گاز جهانی می‌باشند. ایران و روسیه، همچنان دارای بالاترین درصد از این نسبت هستند. تا سال ۲۰۱۰، یک سوم تولید گاز جهانی مربوط به کشورهای ساحلی دریای خزر است. ایران می‌تواند یک واردکننده و صادرکننده گاز بواسطه موقعیت جغرافیایی اش باشد. بسیار اقتصادی تر است که ایران از منطقه دریای خزر برای مناطق شمالی ایران گاز وارد کند تا اینکه هزینه بسیاری جهت حمل آن از جنوب کشور بپردازد. واردات از ترکمنستان بسیار افزایش می‌یابد. در دهسال گذشته، منابع عمده استراتژیک و اقتصادی ایران متنوع شده‌اند. در گذشته، خلیج فارس و نفت، شاخصهای اصلی سیاست استراتژیک و اقتصادی ایران بودند. اکنون، پنج عنصر اصلی سیاست صنعتی و خارجی ایران چنین می‌باشند:

- خلیج فارس

- نفت

- گاز

- خطوط لوله نفت و گاز دریای خزر

- صنایع مربوط به گاز

باید دید آیا تنشهای بین آمریکا و ایران (و در گستره‌ای محدودتر اروپا و ایران) پایان

می‌پذیرد.

### چشم‌اندازهای مربوط به چین

اقتصاد چین هر ساله ۱۰ درصد رشد می‌نماید. این امر برای بیشتر سرمایه‌گذاران جهانی مستقیم خارجی که به کشورهای در «جنوب» سرازیر می‌شوند جاذبه دارد. چین نسبت به آمریکا برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای جاذبه بیشتری است. شرکتهای نفتی عمده

چون بریتیش پترولیوم و اکسون<sup>۱</sup> ذهنیت‌هایی مثبت از توسعه اقتصادی در چین دارند. در همین حال، چنانچه پروژه توسعه در چین به خوبی عمل نگردد این امر به طور کلی دارای عواقب سیاسی و اقتصادی جدی برای تمامی جهان خواهد بود. آنان که از چین بازدید می‌کنند و فقط شاهد توسعه سریع مناطق ساحلی این کشور هستند منظری از مناطق محروم و توسعه نیافته چین را در نظر نمی‌گیرند. شاید ۸۰۰ میلیون نفر در مناطق روستایی در شرایط فقر زندگی می‌کنند که درآمد روزانه آنها کمتر از یک دلار است. چین در مرحله‌ای از توسعه اقتصادی است که عرضه نیروی کار، بسیار نامحدود می‌باشد. در چین «ارتش ذخیره»<sup>۲</sup> از نیروی کار روستایی وجود دارد که همگی آماده مهاجرت به شهرها برای پس انداز هر دستمزدی و ارتقای شرایط زندگی خود می‌باشند. ترکیب مهاجرت و توسعه سریع اقتصادی به آن معناست که حکومت، اوضاع مشحون از خشم و غضب، بی‌ثباتی و بسیار پرتنش را سرپرستی و هدایت می‌نماید.

در سطح جهانی، توسعه صنعتی بواسطه تمرکز بسیار ثروت ایجاد می‌شود. چین در زمانی که قبلاً چنین تمرکز قدرت اقتصادی وجود نداشته است به سازمان تجارت جهانی می‌پیوندد. رهبران چین عقیده دارند که چین نمی‌تواند خارج از سیستم سازمان تجارت جهانی باقی بماند. بعضی از ناظران اظهار می‌کنند که شمار کمی از شرکتهای بزرگ چینی راجع به اقتدار کامل سازمان تجارت جهانی (به واسطه درنده‌خویی رقابت) نظر مثبت دارند. دو نمونه قابل ذکر است: چین مطمئناً قادر نیست در زمینه فعالیت‌های فضایی صنایع هوایی آمریکا و اروپا به رقابت بپردازد. همچنین، در صنعت اتومبیل‌سازی، تقریباً شانس برای رقابت چین نیست و شرکتهای چینی در سالهای آتی احتمالاً قادر خواهند بود یک بازار برای فعالان جزء ایجاد نمایند؛ اما در مجموع مالکیت و مدیریت با شرکتهای بین‌المللی عمده تولیدکننده اتومبیل که فعلاً موجودند باقی خواهد ماند.

در دیگر زمینه‌ها، اوضاع نیز با چالش‌هایی روبروست. وضعیت محیط زیستی وخیم به نظر

1. EXXON

2. Reserve Army

می‌رسد. برای مثال، رودخانه زرد<sup>۱</sup> به لحاظ اکولوژیک مرده محسوب می‌گردد. از جهت اقتصادی، انشعاب اصلی از غرب چین به نظر ممکن می‌آید؛ ولی اقتصاد و جغرافیا در اینجا اهمیت بسیار دارند. اگر برای مبحث آب راه‌حلی ارائه گردد امیدوی برای توسعه اقتصادی جدی وجود دارد. برنامه‌هایی برای انحراف مقادیر بسیاری از آب هیمالیا وجود دارند. عمل مدلهای اروپایی برای صنعتی‌شدن براساس استفاده بسیار از سوخت فسیلی وضعیت را به لحاظ هشدار جهانی بدتر خواهد کرد.

در دولت چین بحران وجود دارد. نخبگان سیاسی روند مدرنیزه شدن چین را سخت می‌دانند. درجاتی از فساد در حزب کمونیست وجود دارد. رهبران چین آنچه را که در روسیه و اندونزی اتفاق افتاد شاهد بوده‌اند. ترسهای سنتی به خطر انفجار از درون دولت چین مربوط می‌گردد که از نظر تاریخی دلوپسی مهم رهبران اصلی چین می‌باشد. یک نتیجه‌گیری مسلم و قطعی که چین به طور موفقیت‌آمیزی قادر خواهد بود چالشهایی که با آن روبرو می‌شود را هدایت نماید بی‌معنی می‌باشد. رهبران چین با چهارگونه انتخاب مواجهند:

الف) رهبری «دندان قروچه»<sup>۲</sup> نموده و پیامی می‌فرستد که روند توسعه «همیشه سخت»<sup>۳</sup> است. روند تراکم اولیه سرمایه منجر به آشفتگی و اختلال می‌گردد. آزادی سیاسی و حقوق بشر محدود است و روندهای رشد برای ۳۰ تا ۴۰ سال آینده درهم برهم است.

ب) موضوع تغییر رژیم در داخل و خارج چین مورد بحث می‌باشد. کنترل اوضاع جامعه‌ای در حال تغییر رژیم بسیار مشکل بوده و ممکن است به بی‌نظمی کامل منجر گردد. رهبری چین به رغم بحران سال ۱۹۸۹ از فروپاشی نظام بشدت پرهیز می‌نماید؛ چیزی که برای اتحاد شوروی و اروپای شرقی روی داد.

ج) حزب کمونیست «گرفتار در چپ»<sup>۴</sup> شده است. چپ جدید به تعداد کم ولی پرنفوذ در

1. Yellow River  
3. Always Tough

2. Grit the Teeth  
4. Overtaken on the Left

چین وجود دارد که به اصول رهبری مائو نظر دوخته؛ درحالیکه نظام نسبتاً باثبات می‌باشد غیرقابل تصور است که رهبری جدید دستوری را بپذیرد.

د) «درس از گذشته و خدمت در حال حاضر»<sup>۱</sup>؛ این گزینه مورد علاقه رهبری فعلی چین و با مجادلات گوناگون همراه است. مقایسه‌ای براساس گفتگو در مورد سرعتها در یک رودخانه. اگر یک انتقال دینامیک موفقیت‌آمیز بود تلاش می‌شد دینامیسم اقتصاد بازار با توسعه مدیریت شده در طریقه «راه سوم»<sup>۲</sup> ترکیب گردند. این امر یک دولت قدرتمند را با اخلاقیات پیچیده ترکیب می‌نماید. بعضی از واریانتهای این مدل موفقیت‌آمیز است. چین از تجربیات گرانبهائی در مواجهه با مشکلات حاد اقتصادی و سیاسی برخوردار می‌باشد؛ وقتی که بقای فعلی چین واحد تهدید می‌گردد.

حتی وقتی انتقالی باعث ترک سیستم جاری می‌شود برای رهبران غرب مقبول نیست چنانچه اختلال و آشفتگی نیز خوشایند نمی‌باشد. در فضای روابط بین‌الملل، چین به روابط خوب با روسیه و ایالات متحده نیاز دارد. امکاناتی برای توسعه مشترک سیبری وجود دارد که دولت روسیه برای توسعه آن حاضر به هزینه کردن می‌باشد.

چین از طریق پیمان همکاری شانگهای در جستجوی همکاری بیشتر با همسایگان آسیای مرکزی خود است.

## ۵. سیاستهای بازیگران فوق ملی

### سیاستهای اروپا در قبال اوراسیا

نیاز مطرح برای سیاست اتحادیه اروپا در اوراسیا براساس عوامل زیر بنا شده است:  
- کشورهای اوراسیا همسایه‌های اتحادیه اروپا می‌باشند؛

1. To use the past, to save the present      2. Third Way

- آنها شرکای تجاری هستند و هنوز ظرفیتهای بسیار دارند؛

- اتحادیه اروپا منافع مستقیم در ثبات منطقه داراست؛

- سیاست اتحادیه اروپا در قبال آمریکا، روسیه و چین ضرورتاً با ملاحظات منطقه اوراسیا

و کشورهای تشکیل دهنده آن مواجه می‌گردد.

به علاوه، اتحادیه اروپا در مورد امنیت عرضه انرژی در بلندمدت نگران است. شماری از

اعضای اتحادیه اروپا علاقمند به بسط گفتگوهای مربوط به انرژی بین این کشورها و کشورهای

منطقه خزر می‌باشند.

اتحادیه اروپا یک نماینده ویژه برای قفقاز جنوبی تعیین نموده که جریان تنشها و

بحرانهای منطقه را بطور مستقیم زیر نظر دارد. آقای سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه

اروپا، قفقاز جنوبی را به عنوان یکی از چهار منطقه دارای اولویت می‌شمارد که اتحادیه اروپا باید

در این چهار منطقه استفاده از تمامی ابزارهای خود را در رتبه اول قرار دهد.

اتحادیه اروپا موافقتنامه‌های همکاری و مشارکت با قزاقستان، قرقیزستان و جمهوری

آذربایجان امضا نموده است. موافقتنامه مشابهی نیز امسال از طرف اتحادیه اروپا با تاجیکستان

امضا شد. کمکهای اتحادیه اروپا به آسیای مرکزی افزایش می‌یابد. از بودجه خاص، کمکهای

مالی به خاورمیانه، عراق و افغانستان اعطا شده است. علیرغم ارقام اعلام شده در بالا،

سیاستهای کشورهای اروپایی در قبال کشورهای آسیای مرکزی عمدتاً «ملی» می‌باشد.

مهمترین عامل سرمایه‌گذاری شرکتهای نفت و گاز اروپایی در منطقه هستند.

سازمان همکاری و امنیت اروپا در مورد مباحث حقوق بشر، امنیت با بیشتر کشورهای

منطقه از سالهای ۱۹۷۰ تاکنون مراد داشته است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، سازمان

همکاری و امنیت اروپا به جهت درگیر بودن و تعیین بسیاری از مباحث مهم و اضطراری در

منطقه از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد. در سال ۱۹۹۱، مباحثه‌ای در بین کشورهای سازمان

همکاری و امنیت اروپا با مشارکت کشورهای جدیدالاستقلال آسیای مرکزی درباره آینده آنها



در چارچوب همکاری امنیتی اروپای متحد آغاز شد. کشورهای آسیای مرکزی به لحاظ اینکه تعهدات و الزامهای OSCE را پذیرفتند به عضویت OSCE درآمدند. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون، کشورهای آسیای مرکزی با ائتلاف ضد تروریستی جهانی همکاری نموده‌اند.

لازم به یادآوری است که قزاقستان اعلام نموده که مشتاق است ریاست OSCE را در سال ۲۰۰۹ عهده‌دار شود. این امر، لازمه‌اش تعهد به ارتقای رعایت حقوق بشر و حکومت‌داری می‌باشد. وضعیت فعالیت‌های اقتصادی و دولت‌سازی باید از طریق لیبرالیزه کردن سیستم سیاسی (به منظور تحقق هدف قزاقستان) افزایش یافته و گسترش یابد.

OSCE در سالهای اخیر توجه بیشتری به کشورهای آسیای مرکزی نموده است. این امر شامل قضاوت‌های کارشناسی در حوزه‌هایی چون: ایجاد نهادها، انتخابات آزاد، آزادی وسایل ارتباط جمعی، ارتقای حاکمیت قانون، حکومت‌مداری مطلوب، اصلاحات در نهاد پلیس و افزایش کارایی قوه قضاییه می‌باشند. OSCE نیز چهارچوبی را تهیه نمود که طبق آن مباحث و راه‌حلهای جمعی و مشترک مشخص و تعیین گشته‌اند. کشورهای آسیای مرکزی مباحث امنیتی مرزی را مشخص کرده‌اند و کنترل مرزی مؤثر به عنوان یک نگرانی ویژه را اعمال می‌نمایند. ارتشهای کوچک، کنترل دموکراتیک نیروهای نظامی و اصلاحات در نهاد پلیس مباحث دیگری هستند که رعایت آنها از طرف کشورهای آسیای مرکزی برجسته و بااهمیت تلقی شدند. OSCE، برنامه محیط زیستی سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل در یک ابتکار مشترک راجع به مسائل امنیتی و محیط زیست بکار گرفته شده‌اند. گزارش راجع به اولین وضعیت این ابتکار به آژانسهای مربوطه ارائه شده‌اند.

ممانعت از تأمین مالی تروریسم و شستشوی پول نیز حوزه‌های دیگر کار مشترک می‌باشند. چهار کارگاه آموزشی در این زمینه در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ برگزار شدند. برای سازمان همکاری و امنیت اروپا اساس سالم همکاری با کشورهای آسیای مرکزی به دوره پیش از جنگ سرد باز می‌گردد. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اهمیت آسیای مرکزی بیشتر شد. OSCE به

همکاری با این کشورها، نهادهای همکاری منطقه‌ای و مؤسسات مالی بین‌المللی فعال در منطقه ادامه می‌دهد.

### چشم‌اندازهای نهادهای مالی بین‌المللی

موقعیت نهادهای مالی بین‌المللی در نکات زیر خلاصه می‌گردند:

- ثبات مبحث کلیدی در منطقه است که از جهت ژئوپولیتیک اهمیت فوق‌العاده دارد

(منابع - مسیرهای تجاری، بحرانهای داخلی)؛

- ثبات فقط در بلندمدت می‌تواند برقرار گردد اگر چنانچه توسعه مداوم انجام پذیرد؛

- توسعه به طور تفکیک‌ناپذیری با اقتصاد بازار پیوند دارد؛

- اقتصاد بازار به طور تفکیک‌ناپذیری با دموکراسی پیوند دارد.

تصویر توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز به شرح زیر می‌باشد:

- منطقه هنوز از نظر اقتصادی بی‌ثبات است. حتی در جایی که شاهد رشد می‌باشیم

رشد از طریق اصلاحات زیربنایی استوار، بخش خصوصی شایسته و تنوع اقتصاد حاصل نشده

است؛

- از نظر سیاسی، تصویر کنونی دارای مشکلات بسیار است. دموکراسی محدودی آنهم

آماده رخت برپستن برقرار می‌باشد؛

- منطقه بسیار نامتجانس و ناهمگن و شامل کشورهای غنی است؛

- توسعه امور زیربنایی ضروری است؛

- تنوع اقتصادی و استفاده از درآمدها برای عدالت اقتصادی بیشتر، ریشه‌کنی فقر و نیل

به اهداف اجتماعی اساسی می‌باشند (بسیاری از کشورها نمایاننده پدیده کشور «فقیر غنی»

هستند)؛

- فعالیتهای اقتصادی کوچک و متوسط و بخش خصوصی توسعه نیافته‌اند.

برای کشورهای از لحاظ منابع فقیر، چالشها بسیار اضطراری هستند. فقر به طور روزافزونی تهدیدی برای امنیت داخلی و نظم و قانون محسوب می‌گردد.

برای تمامی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هنوز سؤالاتی مطرح هستند که باید پاسخ داده شوند رقابت اقتصادهای ملی و تجسم اقتصادی در بلندمدت چگونه می‌باشد. چهار عنصر کلیدی برای افزایش رقابت اقتصادهای ملی و رشد اقتصادی استوار عبارتند از:

- شرکتهای کوچک و بخش خصوصی مناسب رشد و ترقی؛

- بخش مالی قوی؛

- توسعه بخشهای زیربنایی؛

- یک فضای سرمایه‌گذاری خوب، شاه‌ل همکاری حکومت و قوه قضاییه.

بانک توسعه و بازسازی اروپایی<sup>۱</sup> و بانک جهانی نتیجه مطالعه گسترده سیاستهای حکومت و اقدامات تسهیلی یا کندکننده فعالیت تجاری و سرمایه‌گذاری در کشورهای آسیای مرکزی و اروپای شرقی و کشورهای CIS را منتشر نموده‌اند. روش تحقیق این مطالعه از معیارهای کمی و کیفی فضای فعالیت تجاری به شرح زیر استفاده می‌نماید:

۱- «مالیات رشوه»<sup>۲</sup> به صورت درصد مجموع معاملات؛

۲- «مالیات زمانی»<sup>۳</sup> به صورت درصد به لحاظ مدیریت عالی که وقت کافی برای ایجاد پایه قانونی لازم برای معاملات شرکت و مجوزهای ضروری صرف شده است؛

۳- میزان مجموع معاملات که برای اهداف مالیاتی گزارش می‌شود؛

۴- متوسط شمار روزها برای پرداخت از سر رسید گذشته؛

۵- خسارات و زیانهای بسیار به لحاظ اخذ درصدی از کل معامله؛

۶- متوسط روزهای کاری که به واسطه خطاها و عیوب تلف می‌شوند؛

---

1. The European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)

2. Bribe Tax

3. Time Tax

۷- تنظیم مواعد تحصیل وامهایی که موعد آنها به سر می‌رسد.

سه سال پس از آخرین تحقیق، در زمینه‌هایی که به سیستم مالی، مالیات، خلافها و جرمها مربوط می‌شود ارتقا مشاهده می‌گردد چون در نظام قضایی و محدود نمودن فساد اقداماتی انجام شده است. بیشتر کشورهای آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر ارتقا محدودی در زمینه‌های گوناگون طی سه سال اخیر داشته‌اند؛ اموری ویژه چون رشوه و فساد در سه کشور گرجستان، قرقیزستان و تاجیکستان بیشتر مشاهده می‌گردد.

